

محمد حمزه زاده، نویسنده:

هنر انقلاب صرفاً محدود به سال ۵۷ نیست



لطفاً در ابتدا کمی درباره مجموعه کتاب «دلستان و گلستان» توضیح دهید؛ این اثر در چه بازه زمانی نوشته شد؟

مجموعه «دلستان و گلستان» در قالب پنج جلد حدود دو سال پیش منتشر شد. این مجموعه در همان سال اول با استقبال بسیار خوبی مواجه شد و توانست به سقف فروش ۱۷۵ هزار نسخه برسد؛ به طوری که هر جلد حدود ۳۵ هزار نسخه فروش داشت. این آثار برای مخاطبان نوجوان، در رده سنی تقریباً ۹ تا ۱۳ سال نوشته شده، اما باز خوردهایی که گرفتیم نشان می‌دهد که اغلب اعضای خانواده‌ها هم این کتاب‌ها را مطالعه می‌کنند.

موضوع اصلی این مجموعه چیست؟

داستان‌ها در دوروستای قدیمی که در دو طرف یک کوه قرار دارند رخ می‌دهند. یک سمت کوه سرسبز و دارای چشمه است، شبیه مناطق شمالی ایران، و سمت دیگر خشک و بی‌آب، شبیه مناطق کویری. در این دوروستا، شخصیت‌های مختلفی زندگی می‌کنند و روایت‌ها پیرامون سبک زندگی ایرانی-اسلامی و زیست مومنانه شکل گرفته‌اند. مضامینی چون حلال خواری، صداقت، تعاون، و محوریت مسجد در جامعه مومنانه در داستان‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند.

این مجموعه به نوعی ساختار سریالی دارد. این طراحی از ابتدا مد نظر شما بود؟

بله، طراحی مجموعه به گونه‌ای بوده که شباهت زیادی به سریال دارد. خوشبختانه در حال حاضر نیز مجموعه انیمیشن آن هم در حال تولید است. هدف مانگارش حدود ۱۰۰ قصه بوده که تا الان ۳۷ داستان به نگارش درآمده است. در این داستان‌ها بیش از ۱۰۰ شخصیت در این مجموعه حضور دارند. برخی از این شخصیت‌ها دائمی و برخی در یک یا چند داستان ظاهر می‌شوند. شخصیت محوری مجموعه فردی به نام «حکیم» است که نقش بزرگ‌تر و راهنما را در قصه‌ها ایفا می‌کند.

داستان‌ها در چه دوره تاریخی روایت می‌شوند؟

از نظر زمانی، داستان‌ها در حدود ۵۰ تا ۶۰ سال پیش اتفاق می‌افتند. با وجود این که فضاستی و قدیمی است، اما داستان‌ها نو و کاملاً زاینده ذهن خود هستند. برخلاف آثار بازویی شده‌ای مثل «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب»، این مجموعه بر اساس متون کهن نیست، بلکه همگی زاینده ذهن است که بدون هیچ راجع مستندی معرف برخی از احادیث، روایات و نکته‌های حکیمانه است.

الهام گرفتن از حکمت ایرانی و مفاهیم دینی به چه شکل در داستان‌ها تجلی پیدا کرده است؟

از ابتدا قصد داشتم باورها و ارزش‌های دینی را در بطن قصه‌ها بگنجانم، بدون اینکه مستقیماً به آیه یا حدیثی ارجاع دهم. مخاطبان آشنا با این مفاهیم، این پیام‌ها را در لایه‌های زیرین داستان‌ها درک می‌کنند. این ارزش‌ها به صورت ظریف در داستان تنیده شده‌اند.

از نگاه شما، یک هنرمند انقلابی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد و هنر انقلابی چه تفاوتی با سایر گونه‌های هنری دارد؟

هنر انقلاب اسلامی صرفاً محدود به سال ۱۳۵۷ نیست. این هنر ریشه در تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام دارد و هدف آن تعالی انسان است. مفاهیمی مانند ایثار، شهادت، جوانمردی، امانت‌داری و... ارزش‌هایی هستند که هنر انقلاب باید آنها را بازتاب دهد. قصه‌هایی که من نوشته‌ام در زمان قبل از انقلاب رخ می‌دهند، اما به دلیل باورها و سبک زندگی شخصیت‌ها، می‌توان آن‌ها را در دسته آثار انقلابی قرار داد.

در خصوص جوایز و جشنواره‌های دولتی، به ویژه در حوزه هنر انقلاب، نظر شما چیست؟ آیا این جوایز برای هنرمندان انگیزه ایجاد می‌کنند؟

مهم‌ترین جایزه برای یک هنرمند، توجه مخاطبان است. موفقیت در بازار و استقبال مردم، بزرگ‌ترین پاداش است. جوایز دولتی، اگر توسط هیئت داوران متخصص و متنوع انتخاب شده باشند، قطعاً می‌توانند نقش موثری در هدایت و حمایت از جریان‌های هنری داشته باشند. البته باید مراقب بود که مداخلات سیاسی کمترین تأثیر را در انتخاب‌ها داشته باشد.

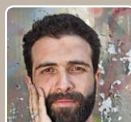
با توجه به اینکه امسال آقای کارن همایونفر به عنوان چهره سال هنر انقلاب انتخاب شدند، نظر تان درباره ایشان و اثرشان چیست؟

بسیار خوشحال شدم که در مجلسی حضور داشتم که ایشان به عنوان چهره برگزیده انتخاب شدند. اثر ایشان از نظر مفهومی و زمانی بسیار دقیق و اثرگذار بوده و به گفتمان انقلاب اسلامی ارتقا بخشید. برای ایشان آرزوی موفقیت‌های بیشتر و بیشتر دارم.



محمد رضا دوست محمدی، گرافیسیت:

وقتی کاری از دستمان بر نمی‌آید به هنر پناه می‌بریم



از مجموع آثاری که در سال گذشته داشتید، بگوئید و اینکه چه ویژگی خاصی در این آثار وجود داشت که شما را یکی از پنج نامزد این رویداد ملی کرد؟

در یک سال گذشته، آثاری را در حوزه نقاشی، گرافیک و تصویرسازی داشتم که با موضوع مظلومیت مردم فلسطین و غزه بود. همچنین آثاری که بیانگر حق خواهی نیروهای مقاومت در لبنان بود.

تأثیر گذاری و استقبال عموم مردم از این آثار چگونه برای خودتان مسلم شد؟

علاوه بر نمایشگاه، آثار در فضای رسانه‌ای و مجازی در ایران و خارج از مرزها دیده شد.

چه شد که به عنوان یک هنرمند این موضوعات را در محوریت هنر خود قرار دادید؟

ماجرای این است که وقتی ما به عنوان یک هنرمند در گوشه‌ای از همین جهان زیست و زندگی می‌کنیم که در آن سوی آن، ظلم، بیداد می‌کند و تعدادی از انسان‌ها، کودک، زن و فرزند خون‌شان بی‌گناه ریخته می‌شود، به شدت احساس‌مان جریحه‌دار می‌شود و زمانی که می‌بینیم کاری از دست ما بر نمی‌آید ناگزیر به هنر پناه می‌آوریم تا مگر احساس منجمد شده خود را در اثری آشکار کنیم.

برخی از مخاطبان در برابر جایزه‌های دولتی، زاویه دارند، این مسئله را خصوصاً در موضوع جهانی فلسطین چگونه تبیین می‌کنید؟

در این شرایط این زاویه دیدها و شکاف‌ها، غصه آور و درد عمیقی است. چون برخی از مردم در شرایطی گرفتارند که نمی‌توانند، اتفاقات مهیب در دنیا را خوب ببینند و درک کنند، اگر کمی نگاه خود را از افق، مصائب درونی و کشمکش‌های حکومتی، فراتر ببریم متوجه می‌شویم وقایعی که امروز مردم فلسطین و غزه را درگیر کرده بسیار سخت و باور نکردنی است و نمی‌توان بی‌احساس از کنار آن گذشت.

محمد رسولی، شاعر:

خودم را عددی در این ماجرا نمی‌دانم



محمد رسولی دیگر هنرمند نامزد شده در رویداد هفته انقلاب ضمن ابراز تواضع و امتناع از گفت‌وگو، اظهار داشت:

واقعاً خودم را عددی در این ماجرا نمی‌دانم. حضور من بیشتر به خاطر مجموعه فعالیت‌های سال گذشته بود، نه صرفاً یک اثر خاص.

او در ادامه افزود: بزرگان این حوزه، مانند آقای همایونفر و آقای حمزه زاده، واقعا قد و قواره متفاوتی دارند و ما همیشه در برابرشان خود را کوچک می‌دانیم. بود و نبود من شاید تأثیر چندانی در کل ماجرا نداشته باشد. وی با تأکید بر شاخصه‌های هنر انقلابی در آثارش اشاره کرد: تحلیل این موضوع نیاز به فرصتی مفصل دارد چرا که شاخصه هنر انقلابی بحثی عمیق و جدی است که قطعاً نمی‌شود در چند دقیقه خلاصه‌اش کرد. این حوزه روحیه خاص خود را می‌طلبد و مستلزم نگاه و تعهد ویژه‌ای است.

گلستان جعفریان، نویسنده:

ادبیات پایداری باید زبان امروز را بشناسد



پس از انتشار کتاب «پاییز آمد» که با تقریب رهنر انقلاب و ۱۳۵ بار تجدید چاپ مواجه شد، مجدداً شاهد نامزد شدن شما در این رویداد بودیم. لطفاً درباره اثر و اینکه در طول این مدت چه نگاه و سبزه‌ای در هنر انقلابی داشته‌اید، بفرمائید؟

در حال حاضر مشغول کار روی کتاب جدیدی هستم که به زندگی همسران شهدای می‌پردازد. این سومین کتاب من در این زمینه است. که از زاویه جدیدی به موضوع همسران شهید و... نگاه می‌کند. از سالها پیش به دنبال این زاویه دید متفاوت بودم اما اکنون احساس می‌کنم با توجه به تحولات اجتماعی و نگاه متفاوت نسل جوان به زندگی، بازنگری در این موضوع ضروری است. به نظر من لازم است از زاویه‌ای نو به زندگی کسانی نگاه کرد که در نوجوانی تصمیماتی بزرگ گرفتند.

به نظر تان شاخصه هنر انقلابی در مقایسه با دیگر شاخه‌های هنری چیست؟ و چه ویژگی‌هایی را در نگاه و رویکرد هنرمند می‌طلبید؟

در دنیای امروز، نگاه ما به زندگی بیش از پیش به سمت رفاه و آسایش مادی رفته است. در این شرایط، اگر بخواهیم از شهدا و آرمان‌های شان سخن بگوییم، نمی‌توانیم با زبان دهه ۶۰ و ۷۰ این کار را انجام دهیم. باید زبان امروز را بشناسیم و به دغدغه‌های مردم احترام بگذاریم. تنها در این صورت است که مخاطب با اثر ارتباط برقرار می‌کند. در آثار اخیرم این نکته را رعایت کرده‌ام؛ از جمله در «روزهای بی‌آینه» و «پاییز آمد» تلاش کردم نشان دهم که حتی در آن زمان نیز دغدغه یک زندگی با استانداردهای مطلوب وجود داشت، اما برخی با وجود این شرایط، راهی دیگر برگزیدند.

در کتاب‌های شما همیشه مستند بودن روایت‌ها مشهود است... بله، نوشته‌هایم مستند - داستانی هستند. حدود ۷۰ درصد روایت‌ها بر اساس مستندات واقعی‌اند و تنها بخش کوچکی از آن بر اساس فضای روایت شده توسط خود شخصیت‌ها به صورت داستانی بازآفرینی می‌شود. این سبک به خواننده کمک می‌کند با شخصیت‌ها ارتباط واقعی‌تری برقرار کند.

با توجه به اینکه برخی روایت‌ها مربوط به چند دهه پیش هستند، چگونه توانسته‌اید نسبت آن‌ها را با زندگی امروز حفظ کنید؟

در آثارم تلاش کرده‌ام فقط به خود شهید یا همسر شهید نپردازم. جامعه پیرامون آن‌ها نیز نقش مهمی دارد. در کتاب جدید، شخصیت‌هایی چون مادر لیا، خواهران سادات، پدر خانواده و دیگران حضور دارند که هر کدام نگاه متفاوتی به زندگی دارند. این تنوع دیدگاه به مخاطب اجازه می‌دهد خود را در یکی از این شخصیت‌ها ببیند و انتخاب کند که کدام نگاه به زندگی برایش قابل پذیرش‌تر است.

به عنوان نویسنده‌ای صاحب‌سبک، آیا جوایز جشنواره‌ها برای شما اهمیت دارند؟ یا انتظار دیگری از آثار تان دارید؟

حقیقتاً جوایز برای من در اولویت نیستند. البته باعث خوشحالی است که آثارم دیده می‌شوند، اما مهم‌تر از هر جایزه‌ای برای من، تأثیری است که کتاب بر مخاطب می‌گذارد. بزرگ‌ترین پاداش برای من، این است که مردم با ادبیات پایداری آشتی کنند، آن را بخوانند و درک جدیدی از آن پیدا کنند. همین بازخوردها، برایم ارزشمندتر از هر جایزه‌ای است.

صحبت پایانی:

از شما متشکرم که این فرصت را فراهم کردید. امیدوارم ادبیات پایداری بیش از گذشته مورد توجه نسل امروز قرار بگیرد.